



* S B - 0 1 1 5 / 2 0 0 *

SB-0115
Second Year B. A. Examination
March / April - 2011
Persian : Paper - II

Time : Hours]

[Total Marks :

સૂચના :

| | |
|---|---|
| <p>નીચે દર્શાવેલ નિશાનીવાળી વિગતો ઉત્તરવહી પર અવશ્ય લખવી. Fillup strictly the details of signs on your answer book.</p> <p>Name of the Examination : S. Y. B. A.</p> <p>Name of the Subject : PERSIAN - 2</p> <p>Subject Code No. : 0 1 1 5 Section No. (1, 2,.....): NIL</p> | <p>Seat No. : [][][][][][][][]</p> <p>Student's Signature</p> |
|---|---|

- ૧ حکیم نیاات ناटकना पात्रोनो परियय आपो. ૧૨
अथवा
- ૧ تمثيل الفردي અને تمثيل اجتماعي विशेषे नोध लખी फारसी १२
नाट्यलेखन प्रवृत्तिनो विकास जशावो.
- ૨ अर्वाचीन गद्य અને ताज्यादारी तथा धरान विशेषे जशावो. १२
अथवा
- ૨ भिरजा इतेहअली आपुंजादाने अेक नाट्यकार तरीके यर्या फारसी साहित्यमां १२
तेमना नाटकोनो फावो जशावो.
- ૩ ગમે તે બે પર ટૂંકનોંધ લખો : ૧૨
- (૧) تمثيل مجلس विशेषे लखो.
- (૨) حاتم خان آقا નું ચરિત્ર ચિત્રણ કરો.
- (૩) موسى ژوردان નાટક તે સમયના નૈતિક મૂલ્યોની આરસી.

۴ گمہ تے اےک ویشہ تہاری ہارسلیماں لہو :

۹۰

- (۱) تمثیل انفرادی
- (۲) شہر بالو خانم
- (۳) کردار مستعلی شاہ

۵ گمہ تے ہنوں لہاںتر کرے :

۲۴

۱) شہر بالو خانم :- (خشتاک) بسیار خوب! آواز راہ در رفتہ
ا خودت را گم کردہ برو! من در این ساعت خاتم خان
آقا را صدای گنم رہہ بینم موسی ژوردان چکارہ است
بہزادزادہ او را فریفتہ - پاریس می برد و اللہ کار
بسرش آرم - راہ آمد شدش را گم کردہ پاریس را ہم
فراموش کند - بسیار خوب! تو برو! من حالا خاتم خان
آقا را صدای گنم بہ بینم نیست روز بعروسی تو ماندہ
چہ طور بی پاریس می روی -

شہباز بیگ :- آدم از گرسنگی و ہرنگی پے دزدی
و دلگی می رود - الحمد للہ من گم و کسرے ندارم -
شہر بالو خانم :- (ہریشخند) بہ بینی کدام گدا بادزد
شدند راہ روند ترا بخدا! بغفلت نناز! برو پے کارت
تو بگلی از راہ و رفتہ (شہباز سرش را پائیں انداختہ
می رود) مگر خاتم خان آقا و شہر بالو خانم مژدہ اند؟
یک مرد کہ فرنگی شہباز را از راہ برو بردہ پاریس بہرود
دختر شرف النساء! فراموش کردم - بگو بہ بینم آن خن و
خاشاک در چین شہباز بیگ را بچہ زبان با تابیدہ
بی پاریس برو؟

۲۷) اما چون از تقریر شما مشخص شد که منکر فوائد
سفر را بدینا بر آن بر من لازم می شود که فوائد
سفر را موافق واقع با مثل بشما حاکم کنم اگر مثلاً
من بقرا باغ نمی آمد - (دلش را بچیب خود دلاز کرده
دفتر در آورده چندی علفی که با سینه چیده
شده بود نشان می دینم) اگر من بقرا باغ نمی
آید که می دانست در پیلاق یا شے قرا باغ این
تلفها موجود است؟ بیشتر از این الہا و حکمائے
جناب لینه و نور نقورت و مار کرام چنین گمان
کرده اند که این نیات ہمیں در کوه یا شے آلب
دور امریکه و آفریقہ و کوه یا شے شوی ساریانی

باشد اما حال من بسبب آمدن این جاندار تعلیم
پاریس اثبات خواهم کرد که حکمائے مذکور
بالکلمه سید کرده اند -

۲۸) شرف انشاء خانم - بچہ زیر گل برود امگر آرام می
گیرید؟ از صبح تا بحال نگذاشته دو چنگ پشم
شانہ بزخم شیطانی میکنند گاه پشم بر می دارد گاهی
چار قدم را می کشد - من ہم بیان آمدم - یک خورده
و روش اند افتم گریه گناں دیده سر تو آمده است -
خون که نشده است -

گلابیره ۱- (گریه کنان دستبایش را بچشمبایش می مالند)
نه نه! والله دروغ می گوید، بیج چشم نمی زد. کایه
گریه می کرد - گفتم گریه مکن! تا کافم داده انداخت
بشتم بز مین خورد -

شیر بالو خانم از شرف انشاء! گریه کردن چه چیز است
بتوجه شده است گریه بکنی؟ الحمدلله بدت
زنده - مادرت زنده • نامزد خشک و خوب پیش
رویت خوردنی زیاد - پوشیدنی فراوان ناخوشیت
چه چیز است - دیگر گریه بکنی -